یکشنبه ۱۸ خرداد ۱۴۰۴ ◆ شماره ۱۹۷۶ ◆ سال هشتم ◆ ۱۲ ذی‌الحجه ۲۰۲۵ ◆ ۸ ژوئن ۲۰۲۵ ◆ ۸ صفحه ◆ ۱۰۰۰۰ تومان

اتحاد ملت

روزنامه صبح ایران

ایران از حقوق هسته‌ای کوتاه نمی‌آید

استقلال ملی و حرکت بدون توقف در مسیر غنی‌سازی

صفحه ۲

رسانه ها میدان جنگ ترامپ و ماسک شد

برخورد نزدیک از نوع میلیاردرها

صفحه ۷

افزایش نگران کننده قاچاق سوخت

زخم کاری قاچاق سوخت بر پیکره نیروگاه‌های کشور

در حالی که کشور با بحران‌های متعددی در حوزه انرژی دست‌وپنجه نرم می‌کند، قاچاق سازمان‌یافته سوخت به معضلی جدی برای پایداری شبکه برق و تأمین سوخت نیروگاه‌ها بدل شده است. در سال‌های اخیر، پدیده قاچاق سوخت به یکی از چالش‌های اساسی در تأمین پایدار انرژی کشور تبدیل شده است. انحراف مقادیر قابل توجهی از گازوئیل و بنزین به خارج از مرزها، نه‌تنها زیان‌های اقتصادی سنگینی به دنبال داشته، بلکه تأمین سوخت نیروگاه‌ها را با مشکلات جدی مواجه کرده و منجر به خاموشی‌های برنامه‌ریزی‌شده در نقاط مختلف کشور شده است.

بر اساس گزارش‌ها، روزانه حدود ۱۰ میلیون لیتر بنزین و ۸ میلیون لیتر گازوئیل از کشور قاچاق می‌شود که سالانه زیانی معادل ۷ میلیارد دلار به اقتصاد کشور وارد می‌کند.

شرح در صفحه ۴

حضور اراذل و اوباش در جامعه زیر ذره‌بین «اتحادملت»

ترمیم زخم‌های گذشته با قدرت‌نمایی خیابانی

صفحه ۳

«اتحادملت» مشکلات ناشی از قیمت‌گذاری دستوری را بررسی می‌کند

زخمی عمیق بر پیکر اقتصاد ایران

صفحه ۵

کلاف سردرگمی که گویا به این زودی ها باز نمی‌شود!

بازی اسم فامیل مدیران استقلال

صفحه ۸

سخن نخست

به‌قلم: حسین آجرلو

شرط موافقت ایران با کنسرسیوم

جمهوری اسلامی ایران با اصل تشکیل کنسرسیوم مخالف نیست، اما تأکید دارد که محل استقرار و فعالیت آن باید در داخل مرزهای ایران باشد. این موضوع فعلاً یکی از مهم‌ترین نقاط اختلاف در مذاکرات هسته‌ای به شمار می‌رود.

همان‌طور که می‌دانید، مذاکرات هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا در پنج دور برگزار شده و در این مذاکرات، مباحث مختلفی مطرح شده است. در هر مذاکره‌ای، معمولاً چند مرحله قابل شناسایی است: مرحله اول، تبیین موضوعات مذاکره؛ مرحله دوم، بررسی منافع مشترک؛ و مرحله سوم، مدیریت تضادها.

در دو دور اخیر که کمی هم پرتنش بوده، به نظر می‌رسد طرفین وارد مرحله سوم، یعنی بحث مدیریت تضادها شده‌اند.

ادامه در صفحه ۲

یادداشت

به‌قلم: وحید حاج سعیدی

ریشه یابی و تبارشناسی اثرات رفتار سلبریتی ها بر جامعه

کژتابی های سلبریتی های میان مایه!

در پارتی شبانه، مأموران فوتبالیست معروف را از تانکر آب بیرون کشیدند؛ احضار مجری سرشناس صدا و سیما به اتهام رابطه نامشروع؛ علی کریمی از ایران رفتنی شد؛ مقصد کانادا؛ حمید فرخ نژاد چگونه کشور را ترک کرد؟ مزدک میرزایی به شبکه اینترنشنال پیوست؛ حضور احمد صمدی خبرنگار سابق صدا و سیما در ایران اینترنشنال؛ تولد فرزند هنرپیشه معروف در کانادا؛ انصراف برخی از بازیگران کم فروغ رسانه ملی از حضور در صدا و سیما و ...

اخباری از این دست که هر چند وقت یکبار در رسانه ها منتشر شده و بازتاب های گسترده و البته متفاوتی در کشور دارند، حاکی از ضعف و یا حتی نبود سیستم نظارت بر رفتار ستاره های مختلف به ویژه چهره های شاخص ورزشی، هنری، سینمایی و حتی رسانه ملی است. تجرد، ازدواج ها و طلاق های ادواری، کشف حجاب، انتشار ویدئو ها و تصاویری خلاف عرف جامعه، نمایش زندگی تجملانه، انتشار عکس های آتلیه ای و شخصی در شبکه های تصویر محور، استفاده از پوشش نامتعارف و گاهاً زننده در مراسم غیر رسمی و حتی رسمی، داشتن مواضع اپوزیسیونی و مخالفت با حاکمیت و نظام، انتشار پست های کنایه آمیز در خصوص مسائل دینی و شرعی، داشتن هارمونی با ضد انقلاب به ویژه در شرایط بحرانی و تنش آمیز و ... بخشی از مختصات و ویژگی های شخصیتی تعدادی از بازیگران، هنرمندان، مجریان، ورزشکاران و به زبان ساده تر سلبریتی های جامعه است که علاوه بر هم زدن آرامش روانی جامعه و القاء حس خود تحقیری در بین جوانان، در شرایط بحرانی نیز به عنوان کاتالیزور یا تسهیلگر در ایجاد آشوب ها و آب ریختن به آسیاب دشمن، پیشگام هستند. دگردیسی عقیدتی و ایدئولوژیک بسیاری از این سلبریتی ها پس از مهاجرت (یا حتی بدون مهاجرت) در تقابل با جمهوری اسلامی، نظام، حاکمیت و یا هر نام دیگری که بتوان بر این ساختار نهاد، نشان داد بسیاری از افرادی که در همین مدیوم و هماهنگ با مولفه ها و اقتضائات ساختار حکومتی به جایگاهی رسیده اند، به هیچ عنوان معتقد به مبانی و اساس این حکومت نبوده و نیستند. جایگاهی که به لحاظ اقتصادی و اجتماعی تا جایی قابل اعتنا و پر و پیمان است که امکان مهاجرت آسان به هر نقطه از کره خاکی، سرمایه گذاری و ساختن یک زندگی تقریباً مرفه را فراهم می سازد؛ بخصوص اگر ته رنگ و لعاب سیاسی هم داشته باشد. در حقیقت آنچه در این میان آشکار است زیر و رو بازی کردن جماعت سلبریتی و رودست خوردن نهادهای رسانه ای نظیر صداوسیما و نهادهای حاکمیتی مرتبط با هنر و ورزش مانند سازمان تبلیغات، حوزه هنری، سازمان امور سینمایی و سمعی بصری، بنیاد سینمایی فارابی، وزارت ورزش و جوانان و... یا به عبارتی همان دروازه های شهرت است که سالیان مدید پول‌های هنگفت و میلیاردی را به بهانه سرگرم یا شاد ساختن مردم، خرج جماعتی بعضاً کم سواد و میان مایه کردند تا به زعم خودشان در بزنگاه‌ها به کارشان بیایند. ناگفته نماند متولیان امر تنها به ایجاد شهرت و پرداخت دستمزدهای آنچنانی به این جماعت بسنده نکردند؛ بلکه در امورات معنوی و اخروی نیز برایشان سنگ تمام گذاشته و از اعزام به حج و مسابقات جام جهانی گرفته تا بخشش های مالیاتی و وام های کم بهره و واکسن های بدون نوبت و ... دریغ نورزیدند. سوگمندانه با وجود تناقض آشکار در رفتار و گفتار و شخصیت این چهره ها، معمولاً کژتابی ها و بی قانونی های این جماعت، با کدخدا منشی و مصلحت اندیشی خام دستانه ای نادیده انگاشته می شود و پس از مدتی ممنوع التصویر یا ممنوع المصاحبه شدن یا مجازات های خفیف و کم اثر دیگر، با پیشنهاد دستمزد های هنگفت و اغواکننده، در راستای احترام به مخاطبانی که پای تلویزیون خمیازه می کشند، دوباره به قاب جادویی یا پرده سینما باز می گردند مگر اینکه مهاجرت کرده باشند و قصد بازگشت به کشور را نداشته باشند. (هر چند امکان بازگشت به جعبه جادویی پس از مهاجرت و کشف حجاب هم وجود دارد!) کاری با رفتار غیر حرفه ای سلبریتی ها در انتخاب گزینه های مهاجرت یا پشت کردن به میهن و تقابل با نظام و ... نداریم چرا که آنها مسیرشان را مهندسی شده و موشکافانه با توجه به اعتقادات نداشته شان انتخاب می کنند و با پول های بادآورده ای که به بهای سرگرم ساختن مردم به پایشان شاباشمی شود، علاوه بر ساخت یک زندگی مجلل و کسب جایگاه اجتماعی قابل قبول، در اولین فرصت مناسب، جلای وطن کرده یا می کنند! روی سخن با مسئولانی است که نتوانسته اند در طول این سال ها شناختی حتی نسبی از جماعتی به دست بیاورند که همواره سبک زندگی، پوشش، آرایش، ادبیات و اظهار نظرات گاه و بیگاه شان در باب موضوعات مختلف، موید این مطلب است که آنها دلبستگی به نظام و آرمان های آن نداشته و ندارند. و این در حالی است که همواره رسانه ها و کارشناسان از تضاد در رفتار و گفتار و سبک زندگی سلبریتی ها گلایه داشته و آن را متضاد با ذات و ماهیت شخصیتی این افراد عنوان کرده اند. در چنین رویکردی انتظار طرفداری از نظام توسط مجری ای که در رسانه ملی به اعلی درجه چادر چاقچور می کند ولی کمی آن سوتر در بلاد کفر شرب خمر می کند، کمی خنده آور به نظر می رسد! خدا از سر تقصیرات سازنده این دوربین های جدید با لنزهای تله فتو بگذرد که از راه دور هم مارک روی بطری ها را نمایان می سازند!

وقتی فلان مدیر اسبق باشگاه سرخابی در برنامه زنده اعلام می کند که خواننده مورد علاقه اش فلان خانم است و یا اینکه در خودروی مدیران باشگاه ها همیشه چند سند ملکی وجود دارد، چه انتظاری از این ظرفیت (به زعم آقایان) در ترویج اخلاقیات و منش نیکو داریم؟ به راستی مربیان و بازیکنانی که در حمایت از یک جریان خاص بعد از قهرمانی خوشحالی نمی کنند، چگونه قرار است از نظام و آرمان های آن حمایت کنند؟

آیا مسئولان نظارتی هیچگاه با خود فکر نکردند بازیکن، مربی، هنرپیشه، سلبریتی، مجری، ورزشکار، و خواننده ای که در پارتی های شبانه مختلط و آنچنانی دستگیر می شود، پوشاک و لباسش به لباس باب اسفنجی سور می زند، یک ساید یخچال ساید بای سایدش از مسکرات آکنده است و تتوهای روی تن و بدنش با ۵۰ جلسه لیزر تراپی هم محو نمی شوند، چگونه می تواند اخلاق نیکو و پسندیده را تبلیغ کند؟ الگوی نسل جوان باشد و از همه مهم تر در بزنگاه ها از نظام حمایت کند؟! این دست اسطوره در بزنگاه نه تنها نظام را یاری نخواهد کرد بلکه «آنچنان را آنچنان تر می کند!» هنوز بوی گند فایل صوتی بازیکن تیم ملی که اتوبوس تیم ملی را به مکانی برای قرار تبدیل کرده بود در فضای مجازی به مشام می رسد و هر از گاهی اخبار دستگیری بازیکنان ملی پوش و هنرمندان و هنرپیشه ها و مجریان و داوران به دلایل اخلاقی و اقتصادی و .... در صدر اخبار قرار می گیرند!

ای کاش گاهی اوقات مسئولان با شهامت از پادرمیانی ها، ریش سفیدی ها و لاپوشانی های اخلاقی، اقتصادی، منکراتی و منشوری که در قبال سلبریتی ها روا شد نیز سخن به میان بیاورند. یادمان باشد آقای ایکس و خانم ایگرگ آخرین بازمانده جماعتی نیستند که هویت و چهره روتوش کرده شان را در سینما و تلویزیون، در ورای لباس نظامی و بسیجی، ظاهر متشرع و محاسن انبوه، لباس روحانیت، حجاب برتر و ... پنهان می سازند و در اولین فرصت در غافلگیری محض مسئولان به ریش همه پوزخند می زنند. اینجاست که مسئولان رسانه ها و دروازه های شهرت باید پاسخگوی افکار عمومی و این خسران سرمایه و منابع ملی باشد. رسانه ای که سال ها با نصب حصارهای بلند تبعیض و گیت های نخبه کشی و سلبریتی پروری، مانع از تحقق آرزوهای جوانانی مستعد، متعهد، خلاق و وطن پرست شد و انتشار هر فیلم و کلیپ و صوتی را به دریافت مجوز از سوی دست اندرکارانش گره زد، امروز در گرداب سلبریتی های خودساخته ای گرفتار شده که هیچگاه نشانی از وطن پرستی (حمایت از نظام بماند) در رفتار، گفتار و سبک زندگی شخصی شان دیده نمی شود ولی در فیلم ها و سریال ها ... تا جایی که در توان دارند نقش بازی کرده و خرشان را دو سره کرایه می دهند!

البته اینکه انتظار داشته باشیم سلبریتی ها همواره تابع حکومت ها و در اختیار آنها باشند، روح و نفس هنر، ورزش، موسیقی، سینما و ... را زیر سوال می برد، اما این نیز تحفه است که هر گاه سخن از حقوق کلان و دستمزد میلیاردی و جایزه و سیمرغ و سفر خارجی و ... به میان می آید اینان در کنار حکومت و حاکمیت از ایفای نقش شهید، روحانی، محجبه، بسیجی، فرمانده سپاه، نیروی امنیتی... هیچ ابایی نداشته باشند ولی آنجا که صحبت از تغییر حکومت و تجزیه و براندازی می شود در فرودگاه امام خمینی(ره)، چمدان به دست، پای پرواز استوری زن، زندگی، آزادی بگذارند و یا بعد از مهاجرت در ینگه دنیا با رکابی و شلوارک از روی کاناپه مردم را تشویق به ایستادن در برابر حاکمیتی کنند که تمام شهرت و دار و ندار شان را مدیون همان حکومت و دروازه های گَل و گُشاد شهرت افزایی اش هستند! به هوش...

اخبار

وزرای خارجه ایران و قزاقستان دیدار کردند

معاون نخست وزیر و وزیر امور خارجه قزاقستان در تهران با وزیر امورخارجه کشورمان دیدار و گفتگو کرد.

به گزارش ایلنا، مراد نورتلئو معاون نخست وزیر و وزیر امور خارجه قزاقستان و سید عباس عراقچی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در تهران دیدار و گفتگو کردند.

نوبت اول

وزارت نیرو
شرکت مادر تخصصی تولید نیروی برق حرارتی
شرکت تولید نیروی برق رامین

شرکت تولید نیروی برق رامین

آگهی تجدید فراخوان ارزیابی کیفی و مناقصه عمومی دو مرحله ای شماره ۴۰۳/۲۸۷ م

شناسه آگهی: ۱۹۴۵۷۶۳

شرح در صفحه ۶

یادداشت

به‌قلم: هادی حق شناس / اقتصاددان

چرا اقتصاد دریاپایه در ایران توسعه نیافته است؟

اگر نفت و گاز در خدمت راهبردی مبتنی بر اقتصاد دریا قرار می‌گرفتند، امروز بندر شهید رجایی باید از نظر ظرفیت و کارکرد، رقیبی جدی برای بندر جبل‌علی در امارات می‌بود.

یکی از دلایل اصلی عدم توسعه اقتصاد دریاپایه در ایران، این است که اقتصاد بخش خشکی توانسته درآمدهای کشور را تأمین کند. در حوزه اقتصاد دریا، حداکثر تلاش انجام‌شده استخراج نفت و خرید تجهیزات مورد نیاز برای صادرات آن بوده است؛ به‌عبارت دیگر، زیرساخت‌های بندری و حمل‌ونقل دریایی ما نیز در خدمت صادرات نفت قرار گرفته‌اند، نه توسعه همه‌جانبه اقتصاد دریا.

برای مثال، شرکت ملی نفتکش و اسکله‌های نفتی ایران، صرفاً برای پشتیبانی از صنعت نفت ایجاد شده‌اند. حتی بخش پتروشیمی ما نیز که عمدتاً مبتنی بر گاز است، بیشتر برای صادرات و درآمدزایی ارزی طراحی شده تا توسعه زیرساخت‌های دریایی.

در مناطق نفت‌خیز مانند خوزستان، امکانات زیستی و شهری در مناطقی که کارکنان نفت حضور دارند نسبت به سایر نقاط استان بهتر است، اما این به معنای نقش نفت در توسعه منطقه‌ای نیست، بلکه نشان می‌دهد که نفت بیشتر در خدمت تأمین نیازهای درون‌سازمانی بوده تا محرک توسعه منطقه‌ای و دریایی.

اگر نفت و گاز در خدمت راهبردی مبتنی بر اقتصاد دریا قرار می‌گرفتند، امروز بندر شهید رجایی باید از نظر ظرفیت و کارکرد، رقیبی جدی برای بندر جبل‌علی امارات می‌بود. ما می‌توانستیم با استفاده از مزیت جغرافیایی و دسترسی به دریا، کالا را با هزینه کمتر صادر و وارد کنیم، صنایع دریایی و گردشگری راه بیندازیم و کشتی‌سازی و ناوگان مسافری را تقویت کنیم.

اما چنین رویکردی در سیاست‌گذاری‌ها وجود نداشته است. به عنوان مثال، در هیچ‌یک از هفت برنامه پنج‌ساله توسعه، اقتصاد دریاپایه به‌عنوان راهبرد اصلی مطرح نبوده است. تمرکز همواره بر توسعه درون‌سرزمینی، معادن، و صنایع مستقر در خشکی بوده است.

بسیاری از شهرهای بزرگ و مهم ایران، مانند تهران، اصفهان، مشهد و اراک، با بحران آب مواجه‌اند، در حالی‌که سواحل ما در شمال و جنوب کشور، با منابع آبی فراوان، از نظر امکانات زیربنایی، حمل‌ونقل، خدمات درمانی و رفاهی، قابل مقایسه با مرکز کشور نیستند.

این وضعیت نتیجه نگاه از خشکی به دریاست، نه نگاه رو به دریا. در حالی‌که در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته، مهم‌ترین شهرها در کنار دریا قرار دارند (مانند استانبول در ترکیه) در ایران هیچ‌یک از شهرهای ساحلی ما در زمره شهرهای مهم و تاثیرگذار قرار ندارند.

از سال ۱۳۹۰ و با تشدید تحریم‌ها، تا حدودی نگاه به دریا تغییر کرده است. بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی نیز تأکیداتی بر ظرفیت‌های دریا دارد. اما مشکل اصلی، همچنان تعدد نهادها و دستگاه‌های مسئول در حوزه دریاست. تداخل وظایف و نبود راهبرد جامع، مانع تحقق اقتصاد دریاپایه شده است.

خداوند مرزهای آبی گسترده‌ای در شمال و جنوب به ایران ارزانی داشته؛ امید است که با هماهنگی دستگاه‌ها، تدوین سیاست‌های واحد و عزم ملی، این ظرفیت بالقوه عظیم به ظرفیت بالفعل تبدیل شود.